

مقایسه اخلاق حرفه‌ای در متون حسبه (با تأکید بر کتاب‌های شیزری، ابن بسام و ابن‌آخوه)^۱

شکر الله خاکرند^۲

صدیقه قاسمپور^۳

چکیده

اخلاق حرفه‌ای ضرورتی برای انتظام بخشیدن به بازار است که در تمدن اسلامی با تکیه بر مبانی اسلامی، به تدوین متونی برای این منظور پرداخته‌اند. از آنجاکه نهاد حکومتی- اجتماعی حسبه مسئول نظارت بر اخلاق حرفه‌ای در بازار اسلامی بود، متونی مانند نه‌ایه الرتبة فی طلب الحسبة الشریفة شیزری، نه‌ایه الرتبة فی طلب الحسبة ابن بسام و معالم القرية فی طلب الحسبة ابن‌آخوه، انعکاس‌دهنده اخلاق حرفه‌ای در قرون میانه اسلامی هستند. این پژوهش در نظر دارد با مقایسه اخلاق حرفه‌ای در سه کتاب مذکور روند تاریخی، شباهت‌ها و تفاوت‌های اخلاق حرفه‌ای را در این کتاب‌ها نشان دهد. نظر به این مسئله، روش پژوهش توصیفی کمی و مقایسه‌ای بوده و بر اساس یافته‌های پژوهش تعداد حرف مورد توجه حسبه‌نگاران تا حدودی روندی رو به افزایش داشته، اما این روند رو به افزایش در توصیه‌های اخلاقی

۱. این مقاله مستخرج از رساله دکترای با عنوان مبانی و سیر تطور تاریخی اخلاق حرفه‌ای در تمدن اسلامی با تکیه بر اخلاق پزشکی در عصر عباسیان می‌باشد.

۲. دانشیار گروه تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول) khakrand66@yahoo.com

۳. دانشجوی دکترای تاریخ اسلام دانشگاه شیراز. s.ghasempoor257@gmail.com

در مورد هر حرفه بیش از تعداد حرفه‌ها افزایش داشته است. بدین ترتیب می‌توان گفت نگارش اخلاق حرفه‌ای در این بازه زمانی روندی رو به پیش داشته است.

واژگان کلیدی: اخلاق حرفه‌ای، حسبه، بازار، فقه، عصر عباسیان، تمدن اسلامی.

مقدمه

هر اجتماع بشری برای ایجاد نظم در تعاملات اعضای خود نیاز به قواعد و هنجارهایی دارد. این قواعد و هنجارها که ممنوعیت‌ها و تشویق‌ها را شامل می‌شد در ابتدایی‌ترین نگاه برای ادامه حیات و زیست آن جامعه هستند. این قواعد که در حالت کلی حسن و قبح‌های اجتماعی هستند، منظومه‌ای را در هر جامعه ایجاد می‌کنند که به منزل اخلاق شناخته می‌شوند. از این رو در ماهیت کارکردی، اخلاق برای انتظام جامعه وضع می‌شود تا هر یک از اعضای جامعه وظایف خود را به خوبی انجام دهد تا ادامه حیات جامعه دچار اختلال نشود. حضور اخلاق در نهاد اقتصاد می‌تواند از سطحی بسیط و اولیه مانند رفتار یک چوپان با دام‌هایش تا سطحی پیچیده و پیشرفته در مراکز تمدنی و کارهای تخصصی جلوه‌گر شود. به هر صورت اخلاق در حرفه‌ها وجود دارد. اما زمانی می‌توان از اخلاق حرفه‌ای سخن به میان آورد که حرف در ظرف مکانی خاصی به نام بازار در محیط اجتماعی که کارها تخصصی تعریف شده‌اند، یعنی شهر، پدید آمده باشند.

در دین اسلام شارع مقدس با وضع اخلاق برای هر پدیدار از طریق کنترل وجدانی اعضا را ملزم به تبعیت از آن هنجار می‌نمود. در کنار این کنترل فردی، کنترل اجتماعی در ساختار اجتماعی اسلامی به نام امر به معروف و نهی از منکر وجود دارد که مسلمانان از این طریق یکدیگر را در راه شرع یا همان نظم مقدس حفظ نمایند. لزوم انتظام اقتصاد مبتنی بر اخلاق اسلامی، از همان دوران مکی در آیات قرآن مشهود

است؛ اما این امر به خصوص در دوران مدنی سامان یافت؛ هرچند در دوران مدنی به دلیل محدود بودن جمعیت مدینه النبی، شکل پیچیده‌ای از بازار پدید نیامد که بتوان در آن دوره اخلاق حرفه‌ای مدون و پیچیده یافت. با فتوحات اسلامی و سرازیر شدن ثروت زیاد به تمدن اسلامی، امکان توسعه شهرها، تخصصی شدن کارها و شکل‌گیری بازار فراهم شد. با این حال این فرایند تقریباً دو قرن نخست اسلامی به طول انجامید. از ایجاد این زمینه (شهر اسلامی) تا به وجود آمدن متونی درباره اخلاق حرفه‌ای بازه زمانی وجود دارد از این رو قرن سوم زمانی است که متونی پیرامون اخلاق حرفه‌ای که ناظر به انتظام بازار و حرف باشند پدید آمدند هرچند که بخش زیادی از این متون به دست ما نرسیده است. این متون اخلاق حرفه‌ای متکی بر اصل کنترل اجتماعی اسلامی یعنی امر به معروف و نهی از منکر تألیف شده بودند، از این رو بخشی از متون فقهی به شمار می‌روند که بعداً به حسبه مشهور شدند. حسبه در تمدن اسلامی جایگاه نظارتی بود که بر غالب مسائل اجتماعی نظارت داشت. اما این مسئله به خصوص در مورد بازار نمود بیشتری داشت.

پرداختن به متون حسبه مشخص‌کننده اخلاق حرفه‌ای جامعه عصر عباسی بود. از آن رو متونی را می‌توان یافت که به مسئله حسبه به عنوان یک امر بیرونی ناظر بر مبانی فقهی پرداخته‌اند. این قبیل منابع از اواخر قرن دوم و ابتدای قرن سوم تدوین شده‌اند، اما آثار اندکی از آنها بر جای مانده است. با این حال می‌توان از اوایل قرن پنجم متونی که حاوی حسبه هستند را یافت. اما از اواخر عصر عباسی متونی در دست است که در مورد حسبه و وضعیت بازار است. کتاب‌های *نهاية الرتبة في طلب الحسبة الشريفة* تألیف عبدالرحمن بن نصر بن عبدالله، ابوالنجیب، جلال‌الدین عدوی شیزری شافعی (متوفی: حدود ۵۹۰هـ)، *نهاية الرتبة في طلب الحسبة*، تألیف محمد بن احمد ابن بسام محتسب (متوفی حدود ربع اول قرن هفتم ۶۲۵)، *معالم القربة في طلب الحسبة* تألیف ضیاء‌الدین محمد بن محمد بن احمد بن ابی‌زید

بن أخوة، (المتوفی: ۷۲۹هـ) بارزترین آنها هستند. این کتاب‌ها از آن جهت که توالی تاریخی از قرن ششم تا قرن هشتم را در برمی‌گیرند و نویسندگان آنها از نظر زمانی توالی دارند، این امکان را برای نویسندگان این مقاله فراهم آورده‌اند که بتوانند با انجام یک مقایسه تفاوت‌ها و شباهت‌های آنها را در روندی تاریخی ارزیابی کنند.

متأسفانه در این زمینه کار مشخصی صورت نگرفته است، زیرا اخلاق حرفه‌ای که متأثر از عینیت^۱ تاریخی است پس از طی زمانی به انتزاع^۲ تاریخی تبدیل می‌شود و بررسی آن این قبیل موضوع‌ها در محیط اکادمیک ایران چندان مرکز توجه نیست. با این حال می‌توان مطالبی را یافت که به صورت ضمنی به اخلاق حرفه‌ای در آینه متون حسبه پرداخته‌اند که از آن جمله آنها می‌توان به تمدن اسلامی در عصر عباسیان از محمدکاظم مکی، تاریخ سیاسی اسلام از حسن ابراهیم حسن، تمدن اسلامی در قرن چهارم نوشته آدام متز، رساله دکترای با عنوان حیات پیشه‌وری در عصر عباسیان با تأکید بر سرزمین‌های شرقی خلافت تا پایان آل بویه نوشته محسن بیگلر، مقاله «اخلاق حرفه‌ای صناعات در فقه شیعه و متون صنفی» از آقاشریفیان، مشاغل و مناصب شیعیان در قرن‌های سوم تا ششم هجری نوشته پروندی و دیگران، مقاله «پیشه‌وران و تقلب‌های شغلی آنها بر اساس معالم القریه فی احکام الحسبه»، مقاله «بررسی کارکرد نهاد حسبه در عرصه پزشکی تمدن اسلامی» نوشته رئیس السادات و دیگران اشاره کرد. نویسنده این مقاله برای تشخیص شباهت‌ها و تفاوت‌های اخلاق حرفه‌ای در این سه کتاب، الزاماً باید از روشی توصیفی بهره‌گیرد و پس از آن با چینش داده‌های توصیفی به صورت توالی زمانی، روند تاریخی را از آنها احساس نماید. از آنجاکه این متون دستورالعملی اجرایی برای محتسبان زمان خود بودند از نظر سندشناسی تاریخی روایت آنها صادق بوده و احتمال تحریف واقعیت تاریخی در

1. Object.

2. Subject.

آنها کم است. مضافاً آن‌که موضوع مورد بررسی این حسبه‌نگاران دربردارنده داده‌های تاریخی زیادی به صورت رد تاریخی می‌باشد؛ ازاین‌رو روایت آنها بیشتر به صدق نزدیک است.

اخلاق حرفه‌ای در تمدن اسلامی

همه جوامع انسانی برای ادامه حیات خود نیاز به نظم‌ی دارند تا در سایه آن نظم بتوانند مناسبات و ارتباطات اجتماعی خود را تنظیم و سروسامان دهند. به طور طبیعی هر قدر جامعه انسانی بزرگ‌تر و کارها نیز تقسیم‌بندی و تخصصی‌تر باشد، نیاز به نظم و اعمال نظم بیشتر احساس می‌گردد. در جزیره العرب پیش از اسلام به دلیل شرایط سخت جغرافیایی و اوضاع نامناسب اقتصادی، امکان توسعه جمعیتی متمرکز و متمدن وجود نداشت؛ ازاین‌رو بادیه‌نشینی شکل غالب زندگی در جزیره العرب بود که این نوع سبک زندگی، تهدیدات زیادی را نیز به دنبال داشت و امکان ایجاد و برقراری نظم متمرکز را فراهم نمی‌کرد. خاندان قریش به مرکزیت مکه توانست بعد از مدتی زندگی دام‌پروری، راه تجارت و بازرگانی در مسیر یمن و شام را در پیش گیرد و از گرسنگی و ناامنی نجات پیدا کند. (قریش: ۱، ۲، ۴) بدین ترتیب این ظرفیت به وجود آمد تا راه برای پیشرفت جامعه انسانی برای عرب جزیره العرب فراهم گردد. نیاز تجارت به امنیت، باعث شد تا با وضع ماه‌های حرام زیر پوشش اخلاقی و حقوقی کعبه، امنیت کافی برای تجارت آنها فراهم گردد. هرچند این قانون توسط قریش و سایر قبایل نقض می‌گردید. چنانکه جنگ‌های فجار نمونه‌ای از آن است. اما به هر حال، جامعه یکجانشین مکه با این پیشرفت‌های اقتصادی و قوانینی که ابداع می‌کردند به تدریج به سوی جامعه‌ای منظم حرکت می‌کردند، اما با این حال با جامعه‌ای که در آن کارها تقسیم و تخصصی شده بود، فاصله‌های زیادی داشت.

ازاین‌رو، جامعه یکجانشین مکه با وجود ترقی‌های قراردادی در راه ایجاد قوانین و عرف که به تدریج آن را به شکل جامعه منظم درآورد نسبت به جامعه‌ای با کارهای تعریف‌شده تخصصی شهری فاصله زیادی داشت. ازاین‌رو، آن را نه قریه و نه مدینه می‌نامیدند و حالت بینابینی داشت و به ام‌القری معروف شده بود.

یکی از نقاط عطف در مناسبات بازاری در جزیره‌العرب عصر جاهلی پیمان حلف الفضول بود.^۱ این پیمان را می‌توان یکی از گام‌های مهم مردم یکجانشین جزیره‌العرب برای ایجاد نظم در بازار دانست. اما شکل دقیق نظم در جزیره‌العرب^۲ در زمان پیامبر اسلام و در مدینه النبیه صورت پذیرفت. بر اساس تعداد افراد حاضر در نبردهای پیامبر با قریش و تخمین جمعیت زنان و کودکان به تعداد مقاتلین مسلمان احتمالاً جمعیت مدینه النبیه از ۳۰۰۰ نفر تجاوز نمی‌کرد و این میزان برای تخصصی‌شدن کار چندان کافی نبود. با این حال دستورات پیامبر اسلام در خصوص اخلاق و احکام و لزوم کنترل اجتماعی آنها در قالب امر به معروف و نهی از منکر سبب شد تا بعدها اساس و پایه‌ای برای ایجاد نهادهایی و کارگزاران نظم اجتماعی گردد که مهم‌ترین آنها نهاد حربه با متولی محتسب بود.

نهاد حربه پس از دوران فتوحات و ایجاد شهرهای جدید در قلمرو اسلامی به خاطر تمایل روزافزون اعراب نومسلمان به اسکان در شهرها و شهرنشینی یا مهاجرت‌های

۱. مقدسی حلف الفضول را اینگونه روایت کرده است: «گویند مرد بازرگانی به مکه آمد و کالای خویش را به عاص بن وائل سهمی فروخت و او از پرداختن قیمت آن سرباز می‌زد و آن مرد به تنگ آمد و بر کوه ابوقبیس بالا رفت و گفت: کجایند مردان که یاری ستم‌دیده‌ای کنند/ که در مکه دور از خاندان و خویشاوند، کالایش از دست رفته./ حرمت از آن کسی است که کرامتش تمام باشد./ و از برای تباہکار فاسد حرمتی نیست. آنگاه قریش در سرای عبدالله بن جدعان گرد آمدند و سوگند یاد کردند که در دادخواهی مظلوم هماهنگ و یگانه باشند تا حقش را بگیرند و قریش این پیمان و سوگند را «حلف الفضول» خواندند و پیغمبر فرموده است که در سرای عبدالله بن جدعان حلفی دیدم که به هیچ روی روا نمی‌دارم آن پیمان درهم شکند و اگر در اسلام نیز به چنین پیمانی دعوت شود آن را خواهم پذیرفت». (مقدسی، ۱۳۷۴: ۶۴۶/۲)

۲. مراد جزیره‌العرب به جز یمن است، زیرا یمن سابقه تمدنی و نظم شهری طولانی دارد.

اقوام مناطق مفتوحه به اطراف مراکز حکومت و خلافت پدید آمد. مهم‌ترین عاملی که سبب به وجود آمدن حسبه گردید، لزوم انطباق روابط اجتماعی جوامع شهری سرزمین‌های مفتوحه با قوانین و قواعد اسلامی بود. اگرچه ورود این اقوام به دایره تمدن اسلامی، بهره‌هایی را به دنبال داشت، ورود آنها در بازه زمانی کوتاه مدت چنان خلافت را با بحران مواجه کرد که حتی مسائل دینی و اعتقادی از آنها متأثر شد. (ر.ک. خاکرند، ۱۳۹۰: ۲۳۴ به بعد) ورود اقوام مختلف با سابقه‌های فرهنگی گوناگون از خرد تا کلان به پهنه مادی و معنوی تمدن اسلامی، در شرایطی رخداد که اعراب تجارت پیشه سرزمین‌های وسیعی از اقصی نقاط خراسان تا مغرب اقصی را برای توسعه حرفه خود در اختیار داشتند و شهرهای زیادی را نیز تأسیس کردند. احداث شهرهای جدید مزیت‌های متعددی اعم از این که محل تجمع لشکرهای اسلامی بود و بالطبع بازارهایی برای تأمین نیازهای ایجاد می‌کرد، مردم مناطق مفتوحه را از روستاها به شهر سوق می‌داد و در تجارت بلندمدت تمدن اسلامی مؤثر بود، از نظر دینی، ظرف مکانی مطلوبی برای زندگی مسلمانان به شمار می‌رفت. همین امر موجب گردید تا بازار به عنوان قلب اقتصادی و حرفه‌ای در شهر اسلامی به سرعت رشد نماید. این موضوع به ویژه پس از سرازیر شدن غنائم زیادی پس از فتوحات، سبب ایجاد تغییرات مهمی در مناسبات اقتصادی و بازار گردید. پاکتچی در این باره می‌گوید: «در پی فتوحات، حجم غنائم به دست آمده به کلی با دارایی‌های پیشین غیرقابل مقایسه بود. مسلمانان موفق شده بودند سرزمین‌های ثروتمندی مانند ایران، عراق، شام و مصر را فتح کنند و اگر غنائم این فتوحات بین شرکت‌کنندگان جنگ تقسیم می‌شد و روانه بازار می‌گشت، تکانه نامنتظری به اوضاع اقتصادی وارد می‌ساخت». (پاکتچی، ۱۳۹۸: مدخل خراج) این شرایط جدید سبب شکوفایی تجارت و ایجاد یا توسعه بازارهایی در سراسر جهان اسلام گردید، اما از سوی دیگر مقتضیات و شرایطی جدیدی را به وجود آورد که موجب می‌گردید حاکم جامعه اسلامی برای انتظام جامعه به تدابیری

اقدام کنند. از زمان شکل‌گیری قوانین اولیه در مدینه النبی تا زمان پس از فتوحات در زمان امویان، شرایط به قدری در خصوص حرفه‌ها و بازار متفاوت شده بود که نیاز جدی به تأسیس نهادهای جدید برای ساماندهی به وضع جامعه احساس می‌گردید.

برای تنظیم روابط اجتماعی و برطرف کردن مشکلات احتمالی، ایجاد نهادهای مختلف اداری و اجرایی بر پایه دین برای اعمال قانون و برقراری نظم در جامعه اسلامی ضروری می‌نمود. با ازدیاد دغدغه‌های حاکمان اسلامی در دوران فتوحات نسبت به جامعه بسیط دوران پیامبر (ص) سبب گردید تا بیشتر خلفا و حاکمان سرزمین‌های اسلامی در قرون اول و دوم سرگرم امور نظامی و حفظ قدرت و رقابت با مدعیان باشند و از این جهت نتوانند مستقیماً بر آنچه در شهرها می‌گذشت، نظارت داشته باشند که از نظر شرعی و ایدئولوژی جزو وظایف آنها بود. این خود سبب ایجاد اختلالاتی در نظم اجتماعی گردید. برای رفع این مشکل و تنظیم مشکلات نوپدید نیاز به نهادی بود که این روابط اجتماعی و به‌ویژه مناسبات اقتصادی و تأثیر آنها بر اجتماع را در چهارچوب دین را به‌خوبی شناخته و بتواند قواعد و قوانین فقهی و عرفی را به اقتضای موقع و محل و شرایط عمومی و خاص بر آن اعمال کند. (سجادی، ۱۳۹۹: مدخل حسبه) ایجاد یا تکمیل و توسعه نهادهایی چون دیوان‌های خراج و قضا و مظالم و شرطه و وزارت و حسبه و... بی‌تردید نتیجه این نیاز بود، زیرا ایجاد انتظام شهرهای اسلامی در صورت سامان دادن مناسبات اقتصادی در سایه قراردادهای دینی امکان‌پذیر بود. از این‌رو مسئله کنترل اجتماعی^۱ برای حفظ سامان دینی در تمدن اسلامی به صورت امر به معروف و نهی از منکر سازمان‌دهی شده تجلی یافت. هرچند پیش از توسعه جوامع شهری در تمدن اسلامی در زمان جامعه ابتدایی عصر نبوی نیز این مسئله تجلی داشت، پدیدار شدن آن در هیئت نهادی منسجم از زمان توسعه شهرها پس از فتوحات بود.

با این حال می‌توان از دوران پیامبر (ص) حتی در دوران مکی مسئله نظارت بر بازار را با استفاده از امر به معروف و نهی از منکر پیگیری نمود. آیاتی اخلاقی که در مورد مسائل اقتصادی، بازار و خرید و فروش تذکر می‌دهند برخی متعلق به دوران مکی اند؛ مانند آیه «وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ. الَّذِينَ إِذَا اكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ * وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ» (مطففین: ۱-۳) هشدار می‌دهد که فروشان و همین را بعدها محاسبان الگوی نظارت خود قرار می‌دادند. (نخجوانی، ۱۹۷۶: ۲ / ۲۲۵) یا این حدیث نبوی که فرموده بود: «لَا تَسْعُرُوا فَإِنَّ السَّعْرَ بِيَدِ اللَّهِ»، یعنی باید در قیمت‌گذاری کالا احتیاط کرد و نرخی را که مورد قبول و رضای مردم باشد، تعیین کرد «و اگر یکی از سوقه و محترفه به دل خود سعری دیگر نهد، [محتسب] مسموع ندارد». (همان) این‌ها نشان می‌دهد که پیش از تأسیس اصطلاح و نظام و نهاد رسمی، بنا بر آیات قرآنی و احادیث نبوی، به چنین نظارت‌هایی توصیه شده بود. در زمان پیامبر بازارها توسعه یافته‌ای مانند بازار بغداد یا حلب وجود نداشت، اما از آنجا که تجارت بخش مهمی از معیشت قریش و یکجانشینان جزیره العرب را تشکیل می‌داد، بازارهایی مانند بازار عکاظ وجود داشت و گزارش‌هایی از پیامبر مبنی بر حضور در بازارها موجود است. (ر.ک. مسلم، بی‌تا: ۱۸۸۲/۴ ابن حنبل، ۲۰۰۱: ۴/۱۸۲) از این رو می‌توان از پیامبر اسلام روایت‌هایی پیدا کرد که در زمینه نظارت بر بازار است. چنانکه در صحیح مسلم از ایشان روایت شده «مَنْ عَشَّنَا فَلَيْسَ مِنَّا». (مسلم، بی‌تا: ۱/۹۹) همچنین قوانینی توسط پیامبر وضع شده بود تا مسلمانان با سلاح در بازار و مساجد وارد نشوند. (ر.ک: همان، ۲۰۱۹، ۴؛ ابن جعد، ۱۹۹۰: ۴۸۲) مقریزی احادیث متعددی درباره حسبه در زمان پیامبر ذیل فصل «ذکر من ولی السوق فی زمن رسول الله صلی الله علیه وسلم وتعرف هذه الولاية اليوم بالحسبة ومتوليها يقال له المحتسب» نقل می‌کند (مقریزی، ۱۹۹۹: ۳۸۶/۹) اما هیچ‌کدام از این احادیث لفظ احتساب، حسبه یا محتسب را ندارند و مقریزی از جهت شباهت فعلی آنها را در حسبه قرار داده است. اهمیت بازار در ساختار اجتماعی و اقتصادی

موجب گردید تا کنترل بازار در سیره نبوی و ایجاد شرایط جدید در عصر خلفا، اولویت مهم خلفا و حاکمان اسلامی گردد. عهدی که خلیفه اول به فرمانده سپاه برای جنگ با اهل رده داده بود مشتمل بر مواردی بود که شأنیتی در حکم حسبه داشت: «مراعات حسبه به عنوان یکی از بزرگ‌ترین و نافع‌ترین عامل حفظ مصالح و اموال مردم و انتظام احوال آن‌ها» توصیه کرده و دستور داد که امیر، نایبان خود را برای نظارت بر خرید و فروخت کالاها و تولیدات و اوزان و مکاییل به بازارها فرستد و خاطیان را مجازات کند^۱ (قلقشندی، ۱۹۸۵: ۱۴۹/۳-۱۵۰)، در تاریخ آمده سمراء بنت نهیک اسدی در بازارها می‌گشت و مردم و فروشندگان را امر به معروف و نهی ازمنکر می‌کرد و خطاکاران را با تازیانه مجازات می‌کرد. (ابن عبد البر، ۱۹۹۲: ۱۸۶۳/۴) از آنجاکه منابع او را از جزء صحابه دانسته‌اند و معمر بودن او تصریح شده، احتمالاً امر به معروف کردن او مربوط به اواخر دوره نبوی و اوایل خلفای راشدین باید باشد.

برخی منابع مانند صبح الاعشی ایجاد نهاد حسبه (المحتسب) را به خلیفه دوم نسبت داده‌اند، زیرا امر به معروف و نهی ازمنکر را به پا می‌داشت و اوزان و مکاییل را نگاه می‌داشت و برای این کار تازیانه‌ای به نام (صنع الدّرة) ساخت. (قلقشندی، بی‌تا: ۴۲۵/۵) در مورد دوره امام علی نیز هم مسئله امر به معروف و هم نظارت بر بازار اخبار زیادی وجود دارد. در روایتی از امام علی در مورد امر به معروف این‌گونه آمده: «امر به معروف و نهی ازمنکر دو صفت از صفات خداوندند، این دو، مرگ را نزدیک نمی‌کنند و روزی را کاهش نمی‌دهند». (شریف الرضی، ۱۳۸۸: ۱۳۸) نقل این خبر از امام علی (ع) در کتاب نهج‌البلاغه نشانگر اهمیت این کنترل اجتماعی در صدر

۱. «وَأَمْرُهُ بِمُرَاعَاةِ أَمْرِ الْحِسْبَةِ فَإِنَّهَا مِنْ أَكْبَرِ الْمَصَالِحِ وَأَهْمُهَا وَأَجْمَعُهَا لِمَنَافِعِ الْخَلْقِ وَأَعْمُهَا وَأَدْعَاهَا إِلَى تَحْصِينِ أَمْوَالِهِمْ وَانْتِظَامِ أَحْوَالِهِمْ وَأَنْ بِأَمْرِ الْمُسْتَنْابِ فِيهَا بِاغْتِبَارِ سَائِرِ الْمَبِيعَاتِ وَمَا فِيهَا مِنَ الْأَقْوَاتِ وَغَيْرِهَا فِي عَامَّةِ الْأَوْقَاتِ وَتَحْقِيقِ أَسْبَابِ الزِّيَادَةِ وَالثَّقُفَانِ فِي الْأَسْعَارِ وَالتَّصَدُّ لَذَلِكَ عَلَى الدَّوَامِ وَالِاسْتِمْرَارِ وَأَنْ يَجْرِيَ الْأَمْرُ فِيهَا بِحَسَبِ مَا تَقْتَضِيهِ الْحَالُ الْخَاضِرَةُ وَالْمَوْجِبَاتُ السَّائِعَةُ الظَّاهِرَةُ وَاغْتِبَارِ الْمَوَازِينِ وَالْمَكَايِيلِ وَإِعَادَةِ الرَّائِدِ وَالنَّاقِصِ مِنْهَا إِلَى الشَّنُوبِيَةِ وَالتَّغْدِيلِ».

اسلام بوده است. اما نکته مهم‌تر این است که از ابتدای شکل‌گیری خلافت اسلامی، امر به معروف و نهی از منکر با مسئله اقتصاد همراهی داشتند. اگر جمله «مرگ را نزدیک نمی‌کنند» از حضرت علی (ع) را در چهارچوب نظری نظم قرار دهیم، این‌گونه تطبیق می‌کند که بی‌نظمی جهت مخالف حیات است و تلاش برای ایجاد نظم (امر به معروف و نهی از منکر) مایهٔ دور شدن بی‌نظمی (مرگ) می‌گردد. امر به معروف و نهی از منکر در کارکرد اقتصادی خود «روزی را کاهش نمی‌دهند». امام علی در جای دیگر به روشنی عامل بی‌نظمی جامعه را ترک امر به معروف و نهی از منکر می‌داند، زیرا «جاهلان را به خاطر ارتکاب گناه و عاقلان را به علت ترک نهی از منکر» موجب دور شدن رحمت خدا می‌شوند. (همان: ۱۹۸) در کنار امر به معروف که در نهج البلاغه بسیار پررنگ است، نصیحت‌های اقتصادی متعددی نیز وجود دارد. (شریف الرضی، ۱۴۱۴: ۳۸۰) مشخص‌ترین گزارش نهج البلاغه از نظارت بر بازار در زمان امام علی مربوط به ابن هرمة است. ابن هرمة ناظر بازار اهواز، خیانتی مرتکب شد و علی (ع) از آن خیانت آگاه گشت و به رفاعه بن شداد بجلی - فرماندار خود در اهواز - چنین نوشت: «هنگامی که نامه مرا خواندی، ابن هرمة را از نظارت بازار برکنار دار و او را به مردم معرفی کن و به زندانش افکن و رسوایش ساز و به همه بخش‌های تابع «اهواز» بنویس که من این‌گونه عقوبتی (شدید) برای او معین کرده‌ام. مبادا در مجازات او غفلت یا کوتاهی کنی که نزد خداوند خوار می‌شوی. و من به زشت‌ترین صورت ممکن تو را از کار برکنار می‌کنم - و خدا آن روز را نیاورد - و چون روز جمعه رسید او را از زندان درآور و ۳۵ تازیانه بزن و در بازارها بگردان. و هر کس گواهی آورد (که ابن هرمة از او چیزی ستانده است)، او را با گواه خود قسم ده و مبلغ مورد شهادت را از مال ابن هرمة بردار و به طلبکار بده. دوباره ابن هرمة را - خوار و سرافکنده و بی‌آبرو - به زندان بازگردان و پاهایش را در بند گذار و تنها برای نماز باز کن؛ فقط اگر کسی برایش خوراک یا نوشابه یا پوشاک یا زیراندازی آورد به او برسان. و مگذار ملاقاتی داشته

باشد که راه پاسخ‌گویی به محاکمه را به او نشان دهد و به آزاد شدن از زندان امیدوارش سازد. و اگر دانستی که کسی چیزی (عذری) به او آموخته است که به مسلمانی زانی می‌رساند، او را نیز تازیانه بزن و به زندان انداز تا توبه کند. شب‌ها زندانیان را به فضای باز بیاور تا تفریح کنند جز ابن‌هرمه، مگر بررسی که بمیرد. در این صورت او را نیز با دیگران به حیاط زندان بیاور. و اگر دیدی هنوز طاقت تازیانه خوردن دارد، پس از ۳۰ روز، ۳۵ تازیانه دیگر به او بزن - پس از ۳۵ تازیانه اول. و برای من بنویس که درباره «بازار» (و نظارت بر آن و پایان دادن به هرگونه خیانتی به مردم) چه کردی و پس از این خائن، چه کسی را برای نظارت برگزیدی. در ضمن حقوق ابن‌هرمه خائن را قطع کن».

(حکیمی و دیگران، ۱۳۸۰: ۶/۶۱۶ و ۶۱۷)

با توسعه بازار در عصر خلافت عباسیان، نهاد حسبه و امر به معروف و نهی از منکر در اخلاق حرفه‌ای شکلی منسجم‌تر و پیچیده‌تر گرفت. اما با فاصله‌گیری از دوران پیامبر، صحابه، تابعین و تابعین تابعین، این مسئله بیشتر نمایان شد که فردی بایستی وظیفه نظارت و تنظیم امور بازار را داشته باشد که معرفت دینی از معروف و منکر داشته باشد. از این جهت، مسئله نظارت بر اخلاق حرفه‌ای شعبه‌ای را در فقه ایجاد کرد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

نهاد حسبه و کنترل اجتماعی

اسلام دینی است که اساس آن بر حکومت بوده از این رو دستورات آن ابعاد اجتماعی دارد. تلاش برای حفظ نظم در جامعه اسلامی که تسهیل‌کننده راه تعالی و قرب به خداوند می‌باشد در غالب دستورات دینی دیده می‌شود. دستورات متعددی همچون خمس و زکات، صدقه و انفاق و زهد و ورع، از آن جهت است که تعادل اقتصادی جامعه حفظ گردد. چنان‌که سیره پیامبر (ص) در روند تقسیم غنائم این مسئله را به خوبی تأیید می‌کند. اما از سوی دیگر این دستورات شرعی و اخلاقی، در نگاه

اسلامی جنبه معنوی نیز دارند که در آن تلاش می‌شود فرد با نیت خالص از طریق این ارتباطات اجتماعی به خدا نزدیک‌تر شود. انگیزه قرب به خداوند سبب شد تا از همان ابتدا مسلمانان برای حفظ ضوابط شرعی و اخلاقی به تقلید از قرآن تبشیر و تنذیر داشته باشند. در مواردی نیز قرآن مسلمانان را به ایجاد نظم «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلَحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (حجرات: ۱۰) و جلوگیری از بی‌نظمی (گناه نکردن و دشمنی نکردن) «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (مائده: ۲) دستور داده است. بدین ترتیب از ابتدا مسئولیت اجتماعی برای رشد برای همه اعضای دین تعریف شده است. در یک نگاه جامعه‌شناختی، این وظیفه به کنترل اجتماعی تعریف می‌شود. کنترلی که هر دو بعد مادی و معنوی کارکرد انتظام بخشی در جامعه و اخروی و معنوی به همراه دارد. بارزترین شکل کنترل اجتماعی در جهان اسلام امر به معروف و نهی از منکر بود. این امر چندان برای مسلمانان اهمیت داشت که غزالی درباره آن می‌گوید: «فإن الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر هو القطب الأعظم في الدين وهو المهم الذي ابتعث الله له النبيين أجمعين». (غزالی، بیتا: ۴/۷) «بدان که حق تعالی امر معروف و نهی منکر را در دین رکنی بزرگ‌تر نهاده است. و آن مهمی است که خدا همه انبیا را برای آن فرستاده». (غزالی، ۱۳۸۶: ۶۶۳/۲) امر به معروف مانند هر پدیدار دیگری در تاریخ، در روند تاریخی دست خوش تغییراتی شد. این تغییرات مسائل متعددی از ورود عرفیات معروف و منکر به دین (ر.ک. خاکرند، ۱۳۹۰: ۲۳۷) را شامل می‌شد تا نظام یافتن و تخصصی شدن امر به معروف و نهی از منکر در دستگاه دیوان‌سالاری اسلامی که به احتساب یا حسبه معروف شد. بخش قابل توجهی از امر به معروف و نهی از منکر در آموزه‌های اسلامی، ناظر بر مسئله حسبه است؛ یعنی تبیین و تفهیم قوانین، محترم دانستن آن از سوی آحاد مردم، نظارت بر رعایت آن و ممانعت از رفتارهای خلاف آن که جملگی از دیدگاه فقیهان حسبه^۱ تلقی می‌شده است. به همین

سبب است که بعضی نویسندگان، حسبه یا علم الاحتساب را عبارت از نظارت در امور مردم شهر از راه اعمال ریاست بر حسب آنچه در شرع مقرر شده است و نیز امور استحسانِ برخاسته از رأی و نظر سلطان - هرکس که بر جامعه اسلامی فرمان می‌راند - دانسته‌اند. (سجادی، ۱۳۹۹: مدخل حسبه)

مقریزی حسبه را معادل امر به معروف دانسته و می‌گوید «اعلم أن الحسبة أمر بالمعروف، إذا ظهر تركه، ونهی عن المنكر، إذا ظهر فعله»؛ (مقریزی، ۱۹۹۹: ۳۸۶/۹) بدان که حسبه امر کردن به معروف است هنگامی که ترک کردن معروف آشکار شود و نهی از منکر است هنگامی که فعل منکر آشکار گردد. در کتاب أبجد العلوم ذیل فصل «فی بیان تقسم العلوم المدونة وما يتعلق بها»، علم الاحتساب را از فروع حکمت عملی می‌داند: «جعل من فروع الحکمة العملية: علم آداب الملوك. علم آداب الوزارة. علم الاحتساب. علم قود العساكر والجیوش». (قنوجی، ۲۰۰۲: ۵۰) توصیف قنوجی از احتساب به طور آشکار هم مسئله نظم را در حسبه بیان می‌کند و هم جنبه دینی آن را در نظر دارد. تعریف او از احتساب این‌گونه است که: «نگاه کردن در امور مردم شهر برای اجرای درست کارها و رسوم در مقام مصلح و نهی از هر چیزی که مخالف رسوم درست باشد و اجرا کردن هر چیزی که در شرع مقرر شده از امر به معروف و نهی از منکر». (همان: ۲۵۰) اهمیت احتساب در این رویکرد چنان است که محتسبان دست و پای سلطان شناخته می‌شدند. (همان) این مفهوم که در غالب منابع فقهی و تاریخی در مورد حسبه مشترک است، به تدریج چونان کارویژه‌ای برای مسائل اقتصادی تعریف شد و غالب «متحرفه» با محتسب سروکار داشتند. توضیح هندوشاه نخجوانی در این باره اختصاص حسبه و امر به معروف را در ساحت اقتصاد به خوبی مشخص می‌کند: «بر وجهی که از امانت و دیانت او معهود است به امر معروف و نهی منکر چنانکه در کتب فقهی مسطور است قیام نماید و طوایف مسلمانان را بر اقتفاء آثار شریعت و امر معروف و نهی منکر دارد و چون در نصوص حدیث نبوی علیه الصلوة والسلام

مذکورست که لا تسعروا فان السعر بید الله در احتیاط اسعار و اوزان جهدی که موافق حق و مطابق صدق (*) و بر قانون حدیث باشد بجای آرد و شعری که به اتفاق جمهور بر مقداری معین قرار گرفته باشد و خواص و عوام بدان راضی برقرار مقرر دارد اگر یکی از سوقه و محترفه بدل خود سعری دیگر نهد مسموع ندارد و تأدیب و بازخواست واجب داند و در محافظت مکیال و میزان نصّ کلام قدیم «وَيْلٌ لِلْمُطَفِّفِينَ الَّذِينَ إِذَا أَكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ» را نصب العین گرداند و کیالان را از تطفیف که کم پیمودن کیل است مانع و زاجر گردد و سرّ مفهوم آیت بر ایشان خواند و اگر نشنوند بهر نوع که داند و تواند بشنواند و در تعیین اذرع و اقفره و موازین و مکائیل مساعی جمیله به تقدیم رساند و مجموع آن را با ذراع معدّل و قفیز مکمل و میزان و مکیال تمام که تمامت اهل شهر به راستی آن قائل باشند مساوی و موازی گرداند اگر جمعی خلاف کنند، تشدید و تعنیف و بازخواست و تأدیب واجب داند و در همه ابواب چنان سازد که افعال و اقوال او عند الله و الناس محمود و مشکور افتد تا به محمّدت و ارتضا مقرون گردد. ان شاء الله تعالی. (نخجوانی، ۱۹۷۶: ۲/۲۲۴-)

(۲۲۶)

اخلاق حرفه‌ای در متون حسبه شیزری، ابن بسام و ابن‌اخوه

چنان‌که بیان شد، حفظ نظم شهری به‌ویژه نظم بازار که محل فعالیت صاحبان حرف بود، توسط نهاد حسبه تأمین می‌گردید. از این رو پرداختن به متون حسبه مشخص‌کننده اخلاق حرفه‌ای جامعه عصر عباسی بوده است. برای این منظور متون حسب‌های که توالی تاریخی داشته و در دسترس نویسندگان بوده، موضوع بررسی قرار گرفته است. با توجه به روندی که نهاد حسبه در جهان اسلام شکل سازمان‌یافته‌ای به خود گرفت، به طور مشخص باید از قرن سوم به بعد را جست‌وجو کرد. چندان‌که در زمینه‌های تاریخی پیدایش حسبه بررسی شد، در زمان نبوی و خلفای راشدین چندان

شهرنشینی و مقتضیات اخلاق حرفه‌ای در شهرها وجود نداشت که نهادی به نام حسبه تأسیس شود. اما به مرور زمان و با شکل‌گیری شهرهای اسلامی و نیاز به ایجاد نظامی اسلامی همگام با ایجاد فقه اسلامی (اعم از فقه سنی و شیعه) به تدریج نهاد حسبه نیز تأسیس شد. مشخصاً متون حسب‌های از اواخر قرن دوم تألیف شده‌اند که غالب آنها در دسترس نیستند. اما می‌توان از اوایل قرن پنجم متونی که حاوی حسبه هستند را یافته و تا پایان عصر عباسی پیگیری نمود. برای این منظور احیاء علوم الدین، تألیف ابو حامد محمد بن محمد غزالی طوسی (متوفی: ۵۰۵هـ) نهایتاً الرتبة الظرفیة فی طلب الحسبة الشریفة تألیف عبدالرحمن بن نصر بن عبدالله، ابو النجیب، جلال الدین عدوی شیرازی شافعی (متوفی: حدود ۵۹۰هـ) نهایتاً الرتبة فی طلب الحسبة، تألیف محمد بن احمد ابن بسام محتسب (متوفی حدود ربع اول قرن هفتم ۶۲۵) معالم القربة فی طلب الحسبة تألیف ضیاء الدین محمد بن محمد بن احمد بن ابی زید بن أخوة، (المتوفی: ۷۲۹هـ) از این جهت که توالی تاریخی از سال ۴۰۰ تا سال ۷۰۰ را در برمی‌گیرند و نویسندگان آنها از نظر زمانی توالی دارند و موضوع یکسانی را لحاظ می‌کنند، برای بررسی اخلاق حرفه‌ای در عصر عباسیان انتخاب شده است.

فارغ از متون حدیثی که ضمن بیان مسائل دینی، بازار و انتظام اخلاقی آن را نیز مد نظر داشتند، به تدریج در جهان اسلام کتاب‌هایی برای نظم جامعه پدید آمدند که موضوعات متنوعی را موضوع بحث قرار دادند که یکی از مباحث آنها حسبه بود. از جمله مهم‌ترین آنها می‌توان احکام السلطانیة ماوردی و احیاء علوم دین غزالی اشاره کرد. با این حال این کتاب‌ها چون به طور اختصاصی به حسبه نپرداخته و موضوعات متنوعی را موضوع بررسی قرار داده‌اند، جزئیات اندکی در مورد بازار و اخلاق حرفه‌ای را بیان کرده‌اند. همچنین باید به این نکته توجه داشت که این کتاب‌ها توسط فقیهان نوشته شده‌اند که از نزدیک کمتر با بازار در ارتباط بودند. در برابر

این‌ها متونی قرار دارد که به صورت اختصاصی به مسئله حسبه در تمدن اسلامی پرداخته‌اند. از جمله اولین آنها کتاب الاحتساب نوشته الناصر للحق، مشهور به اطروش، بود. از آنجاکه ناصر للحق منسبی اجرایی داشت، باید به صورت مشخص و جزیی به حسبه می‌پرداخت. غیر از آن نیز محتسبانی بودند که با مشاهده مشکلات متعدد متون حسبه و خلاف‌های محتسبان با اتکا بر تجربیات عینی و سواد فقهی خود اقدام به تألیف کتاب‌های حسبه پرداختند. مهم‌ترین این قبیل کتب حسبه، نه‌ایة الرتبة فی طلب الحسبة الشریفة شیزری، نه‌ایة الرتبة فی طلب الحسبة ابن بسام و معالم القرية فی طلب الحسبة ابن أخوة هستند. کتاب شیزری یکی از منسجم‌ترین متون اسلامی در مورد حسبه است که به صورت آشکار اخلاق تراز اسلامی در حرف را نشان می‌دهد. کتاب ابن بسام با وجود اشتراکات متعدد با متن شیزری، مطالب بیشتری دارد. در نهایت کتاب ابن اخوه، تقلیدی از دو متن پیشین بوده، ولی نسبت به شیزری حرف بیشتری را بررسی کرده و در مجموع از دو کتاب پیشین اطلاعات دقیق‌تری در مورد اخلاق حرفه‌ای بیان کرده است.

شیزری در کتاب نه‌ایة الرتبة فی طلب الحسبة الشریفة ۳۹ حرفه ماهی‌پزی، شکارچی پرنده و گنجشگ، زولبیایز، حلواپز، کباب‌پزان، کله‌پز، لکانه‌پز، آشپزان، هریسه‌پزان، گندم فروش و آسیاب، نانوایی، گوشت فروش، قصابان، بزازان، پارچه‌باف، خیاط، حریرفروش، رنگرز، پنبه‌فروش، کتان‌فروش، کفش‌دوز، زرگر، مسگران، آهنگر، صرافان، دامپزشکی، دلالان برده و کنیز و ستور و خانه، گرمابه‌ها، فساد و حجامت، پزشک و کحلا و جراح و شکسته‌بند، مربی اطفال، روغن‌گیر، شربت‌ساز، عطاری، داروسازی، چشم‌پزشک، شکسته‌بندان، جراحان، میخ‌فروش را بررسی کرده است. تعداد توصیه‌های اخلاقی برای گروه‌های غذایی، صنعتی، خدماتی و درمانی در کتاب شیزری به ترتیب ۷۵، ۴۳، ۷۹ و ۵۱ و مجموعاً ۲۴۸ توصیه است.^۱ مواردی را که

۱. (شیزری، ۱۴۲۴: ۲۲۵، ۲۳۰، ۲۲۶، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۳، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۷، ۲۴۵، ۲۴۶).

شیزری در کتاب خود در مورد اخلاق حرفه‌ای و وظیفه محاسب و نهاد حسبه یادآور شده، همه در کتاب‌های ابن بسام و ابن‌اخوه نیز وجود دارد، اما تفاوت‌های عمده‌ای را می‌توان میان آنها یافت.

ابن بسام نسبت به شیزری تعداد بیشتری حرفه را مد نظر داشته است. در کتاب نه‌ایة الرتبة فی طلب الحسبة ۹۱ حرفه ماهی‌پزی، شکارچی پرنده و گنجشگ، زولبی‌پز، حلواپز، هریسه خرما و عدس، کباب‌پزان، کله‌پز، لکانه‌پز، آشپزان، هریسه‌پزان، باقلافروش، گندم‌فروش و آسیاب، نانواپی، گوشت‌فروش، قصابان، بزازان، پارچه‌باف، خیاط، رفوگر، کلاهدوز، حریرفروش، رنگرز، پنبه‌فروش، کتان‌فروش، کفش‌دوز، زرگر، مسگران، آهنگر، صرافان، دامپزشکی، دلالان برده و کنیز و ستور و خانه، گرمابه‌ها، پزشک و کحالا و جراح و شکسته‌بند، مربی اطفال، روغنگیر، غربال‌ساز، دباغ و مشک‌ساز، نمدمالان، پوستین‌دوز، حصیرباف و کرکره‌ساز، کاه‌فروش، نجار و چوب‌بران و بنا و کارگر و گچکار، سقایان به آب کوزه و مشک و دلو، هیزم‌کش و ستودار، شربت‌ساز، عطاری، ماهیگیر و ماهی‌فروش، نی و نی‌فروشی، گچ و گچکاران، آهک‌فروش، دلال پارچه، کارگران شست‌و‌شو‌دهنده، گلدوزان، چشم‌پزشک، شکسته‌بندان، جراحان، خرازی، زنبیل‌ساز، آب‌شخورها، ادویه‌زنی (رنگ‌ها)، صندوق‌ها و زنبیل‌های چوبی، چوب و فروشندگان آن، قیرکاران، میخ‌فروش، نجاری الضبب، نجاری مراکب، آجرفروشی، دلالان خانه، در محاسبات مرکب‌ها، فروشنده کوزه، چینی‌بندزن ریسمان، شیشه‌فروشان، رنگرز، بارکش، سنگ‌تراش و آهک‌ساز، تخلیه‌کننده چاه و حمل‌کنندگان آن، قبرکن‌ها، نویسندگان نامه در راه، جاده، نویسنده، وکیلان، متولی مسجد، قاریان قرآن، غسالان، رصدخانه‌ها، طبّاخان و لیمه، روسری‌فروش و نقاب، خیزران، ارغون، ظروف سفالی، سوزن‌فروش و کجاوه‌ساز مرکز توجه ابن بسام

بود. تعداد توصیه‌های اخلاقی برای گروه‌های غذایی، صنعتی، خدماتی و درمانی در کتاب ابن بسام به ترتیب ۸۳، ۹۸، ۱۱۵، ۳۵ و مجموعاً ۳۳۱ توصیه وجود دارد.^۱ مشخصاً ابن بسام نگاه جامع‌تری به حرف نسبت به شیزری داشته و از این رو کتاب وی کامل‌تر از کتاب شیزری است. هم‌نامی دو کتاب را می‌توان در راستای تلاش ابن بسام برای تکمیل کار شیزری دانست.

هرچند که ابن اخوه پس از ابن بسام به تألیف کتاب حسبه خود با نام معالم القربة فی طلب الحسبة پرداخت، از نظر تعداد حرفه‌های که وی به آنها توجه داشته، کمتر از تعداد حرفه‌های مورد توجه ابن بسام است. ابن اخوه ۶۸ حرفه را بررسی کرده که شامل حرفه‌های ماهی‌پزی، شکارچی پرنده و گنجشگ، زولبیایز، حلواپز، کباب‌پزان، کله‌پز، لکانه‌پز، آشپزان، هریسه‌پزان، گندم‌فروش و آسیاب، نانوا، گوشت‌فروش، قصابان، بزازان، پارچه‌باف، خیاط، رفوگر، کلاهدوز، حریرفروش، رنگرز، پنبه‌فروش، کتان‌فروش، کفش‌دوز، زرگر، مسگران، آهنگر، صرافان، دامپزشکی، دلالان برده و کنیز و ستور و خانه، گرمابه‌ها، سدرفروش، فصاد و حجامت، پزشک و کحالا و جراح و شکسته‌بند، مربی اطفال، خادم مسجد و مؤذن، واعظان، منجم و نامه‌نگاری، قاضی و گواهان، امیران و کاردان، کشتیبان، فروشندگان ظروف سفالی، فخاران و سفالگران، سوزن‌گر و جوال‌دوز، دوک‌ساز، حنافروش، شانه‌ساز، روغن‌گیر، غربال‌ساز، دباغ و مشک‌ساز، نمدمالان، پوستین‌دوز، حصیرباف و کرکره‌ساز، کاه‌فروش، چوب‌فروش و الوارفروش، نجار و چوب‌بران و بنا و کارگر و گچ‌کار، برنج‌فروش، فروشندگان بادبزن و گوگرد و جاروب، سقایان به آب کوزه و مشک و دلو، هیزم‌کش و ستودار، شمع‌سازی،

۱. (برای اطلاع بیشتر رک. ابن بسام، ۱۴۲۴: ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۴، ۳۱۸، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۴، ۳۰۶، ۳۲۶، ۳۲۵، ۳۲۸، ۳۲۴، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۳۹، ۳۳۸، ۳۵۴، ۳۵۳، ۳۳۸، ۳۴۸، ۳۴۷، ۳۵۸، ۳۵۷، ۳۵۹، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۴۰، ۳۴۲، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۶۳، ۳۷۴، ۳۶۵، ۳۵۰، ۳۸۰، ۳۷۷، ۳۷۵، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۰۰، ۳۱۹، ۳۰۱، ۳۲۳، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۶، ۳۶۱، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۷، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۷، ۳۸۷، ۳۷۹)

شیرفروش، فروشندگان، شربت ساز، عطاری، چشم پزشکی، شکسته بندان، جراحان و میخ فروش می شود. توصیه های اخلاقی در کتاب ابن اخوه برای گروه های غذایی، صنعتی، خدماتی و درمانی به ترتیب ۱۱۹، ۹۱، ۹۳، ۵۸ و مجموعاً ۳۶۱ می باشد.^۱ بدین ترتیب مشخص می شود هرچند تعداد حرفه های مورد نظر ابن اخوه نزدیک به تعداد حرفه های مورد توجه شیزری بوده و از نظر تعداد از کتاب ابن بسام کمتر است، اما این اخوه در تنظیم توصیه های اخلاق حرفه ای دقیق تر از ابن بسام عمل کرده است. بدین تربیت می توان از نظر تکامل نگارش اخلاق حرفه ای روندی از تکامل را از شیزری تا ابن اخوه را مشاهده کرد.

توصیه های اخلاقی در کتاب های شیزری، ابن بسام و ابن اخوه

گروه ها	شیزری	ابن بسام	ابن اخوه
گروه غذایی	۷۵	۸۳	۱۱۹
گروه صنعتی	۴۳	۹۸	۹۱
گروه خدماتی	۷۹	۱۱۵	۹۳
گروه خدمات بهداشتی درمانی	۵۱	۳۵	۵۸
مجموع	۲۴۸	۳۳۱	۳۶۱

نتیجه

اخلاق حرفه ای به عنوان انتظام بخش اقتصاد بازار، از دیرباز کانون توجه بوده است.

۱. (برای اطلاع بیشتر رک. ابن اخوه، ۱۳۴۷: ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۸، ۹۸، ۹۳، ۹۴، ۸۲، ۸۳، ۹۵، ۹۷، ۹۹، ۱۰۰، ۷۶، ۷۴، ۷۷، ۷۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۸۹، ۱۳۱، ۱۳۴، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۲۳۵، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۲۵۱، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۵۷، ۱۵۶، ۱۵۹، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۸، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۶۹، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۵، ۱۹۷، ۱۹۸، ۲۰۲، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۵، ۲۱۷، ۲۱۹، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۲، ۲۳۴، ۲۳۵، ۶۱، ۱۱۹، ۱۲۵، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۲۶، ۱۲۸، ۱۰۹، ۱۱۱، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۲۲، ۱۲۳).

در تمدن اسلامی از ابتدا توصیه‌های اخلاقی برای بازار و تنظیم آن وجود داشته، اما این امر وابسته به رشد شهرنشینی در جهان اسلام بود که پس از فتوحات رشدی قابل توجه یافت. در عصر عباسیان، شهرهای اسلامی پس از بحران‌ها و نوساناتی به مرحله‌ای رسیدند که نیاز به متونی مدون برای اخلاق حرفه‌ای در بازار احساس می‌شد. این متون مشخصاً کتاب‌های حسب‌های بودند که فقها اقدام به تألیف آنها می‌کردند. از میان کتاب‌های حسبه سه کتاب *نهاية الرتبة في طلب الحسبة الشريفة* شیزری، *نهاية الرتبة في طلب الحسبة ابن بسام* و *معالم القربة في طلب الحسبة* ابن‌أخوه، داده‌های منسجمی در مورد اخلاق حرفه‌ای به صورت متوالی در اختیار مورخ قرار می‌دهند. بر اساس یافته‌های پژوهش تعداد حرف مورد توجه حسبه‌نگاران تا حدودی روندی رو به افزایش داشته، اما این روند رو به افزایش در توصیه‌های اخلاقی در مورد هر حرفه بیش از تعداد حرفه‌ها افزایش داشته است؛ بدین ترتیب می‌توان گفت نگرش اخلاق حرفه‌ای در این بازه زمانی روندی رو به پیش داشته است.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن اخوه، محمد بن محمد بن احمد. (۱۳۴۷). آیین شهرداری. ترجمه جعفر شعار، تهران: چاپخانه داورپناه.
۳. ابن الجعد، علی بن الجعد بن عبید الجوهري البغدادي. (۱۹۹۰) مسند ابن الجعد. محقق: عامر احمد حیدر، بیروت: مؤسسة نادر.
۴. ابن حنبل، احمد. (۲۰۰۱). مسند الإمام احمد بن حنبل. محقق: شعيب الأرنؤوط - عادل مرشد و دیگران بیجا، مؤسسة الرسالة.
۵. ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله. (۱۹۹۲). الاستیعاب فی معرفه الاصحاب. محقق: علی محمد بجاوی، بیجا، دار الجیل.
۶. ابن بسام، محمد بن احمد. (۱۴۲۴). نهاییه الرتبة فی طلب الحسبه، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۷. آقاشریفان اصفهانی، مهرداد و دیگران. (۱۳۹۶). «اخلاق حرفه‌ای صناعات در فقه شیعه و متون صنفی». فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی. سال چهاردهم، شماره ۵۰، صص ۳۴-۱۱.
۸. بیگلر، محسن. (۱۳۹۵). پایان‌نامه حیات پیشه‌وری در عصر عباسیان با تأکید بر سرزمین‌های شرقی خلافت تا پایان آل بویه. قزوین: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره).
۹. پاکتچی، احمد. (۱۳۹۸). «مدخل خراج». دایره المعارف بزرگ اسلامی. تهران.
۱۰. پروندی، مرضیه، جهانگیریان، حدیث. (۱۳۹۴). «مشاغل و مناصب شیعیان در قرن‌های سوم تا ششم هجری». فصلنامه علمی - پژوهشی شیعه‌شناسی. سال سیزدهم، شماره ۴۹، صص ۱۶۶-۱۴۷.
۱۱. حسن، ابراهیم حسن (۱۳۳۸). تاریخ سیاسی اسلام. ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: کتاب‌فروشی اسلامیة.
۱۲. حکیمی، محمدرضا و حکیمی، محمد و حکیمی، علی. (۱۳۸۰). الحیاء. ترجمه: احمد

آرام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۱۳. خاکرند، شکرالله (۱۳۹۰). سیر تمدن اسلامی. قم: بوستان کتاب.
۱۴. رئیسی السادات، تهمینه؛ عباسیان، جواد. (۱۳۹۸). «بررسی کارکرد نهاد حسبه در عرصه پزشکی تمدن اسلامی»، فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی. شماره ۳۴، صص ۷۹-۹۶.
۱۵. سجادی، صادق، (۱۳۹۹) «مدخل حسبه»، دایره المعارف بزرگ اسلامی. تهران.
۱۶. شریف الرضی، محمد بن حسین. (۱۳۸۸) نهج البلاغة. مترجم: حسین انصاریان، قم: دارالعرفان.
۱۷. شریف الرضی، محمد بن حسین. (۱۴۱۴). نهج البلاغة. مصحح: صبحی صالح، قم: هجرت.
۱۸. شیزری، عبدالرحمن بن عبدالله. (۱۴۲۴). نهاییه الرتبة فی طلب الحسبه. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۹. غزالی، ابوحامد محمد بن محمد. (۱۳۸۶). ترجمه إحياء علوم الدین. مترجم: مؤیدالدین خوارزمی، تهران: علمی و فرهنگی.
۲۰. غزالی، ابوحامد محمد بن محمد. (بی تا). إحياء علوم الدین. بیروت: دارالکتب العربی.
۲۱. قلقشندی، احمد بن علی. (۱۹۸۵). مآثر الإنافة فی معالم الخلافة. محقق: عبدالستار احمد فراج، کویت: مطبعة حكومة الكويت.
۲۲. قلقشندی، احمد بن علی. (بی تا). صبح الأعشى فی صناعة الإنشاء. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲۳. قنوجی، محمد صدیق خان بن حسن (۲۰۰۲) أبجد العلوم، بی جا، دار ابن حزم.
۲۴. متز، آدام (۱۳۶۴). تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری. ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو، تهران: امیرکبیر.
۲۵. مسلم، ابن الحجاج. (بی تا). المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم (صحيح مسلم). محقق: محمد فؤاد عبد الباقي، بیروت:

دار احیاء التراث العربی.

۲۶. مقدسی، مطهر بن طاهر. (۱۳۷۴). آفرینش و تاریخ، مترجم: محمدرضا شفیعی، تهران: آگه.

۲۷. مقریزی، احمد بن علی. (۱۹۹۹). إمتاع الأسماع بما للنبي من الأحوال والأموال والحفدة والمتاع. محقق: محمد عبد الحمید النمیسى، بیروت، دار الکتب العلمیة.

۲۸. مکى، محمد کاظم (۱۳۹۸). تمدن اسلامی در عصر عباسیان، ترجمه محمد سپهری، تهران، سمت.

۲۹. نخجوانی، محمد بن هندوشاه. (۱۹۷۶). دستور الکاتب فی تعیین المراتب، مصحح: عبد الکريم على اوغلى على زاده، مسکو: فرهنگستان علوم جمهوری شوروی سوسیالیستی آذربایجان.

۳۰. یزدان فرخی، ناصری، سمانه. (۱۳۹۴). «پژوهشی درباره پیشه‌وران و تقلب‌های شغلی آنها بر اساس معالم القرية فی احکام الحسبه». مطالعات تاریخ اسلام، سال هفتم، شماره ۲۶، صص ۷۳-۱۰۶.